

ماخن: آزاد بلگرامی، میر غلامعلی، فهرست ترجمه‌های ادبیات اسلامی، دفتر شانسی مرسوم به سرو آزاد، حیدرآباد دکن، ۱۹۱۳م؛ احمد جان، صفوی، تاریخ زبان و ادب اردو، کراجی، ۱۹۸۷م؛ احمد علی هاشمی سندبلوی، مخزن الفرات، به کوشش محمد باقر، لاہور، ۱۹۶۸م؛ اردو دائرة المعارف اسلامیہ، پنجاب/لاہور، ۱۹۸۷م؛ بھگوان داس هندی، شنیده هندی، به کوشش شاه محمد عطاء الرحمن کاکری، پٹت، ۱۹۵۸م؛ جیل جالبی، محمد جیل، تاریخ ادب اردو، لاہور، ۱۹۸۷م؛ حاکم، عبدالحکیم، مردم دیده، به کوشش سید عبداللہ، لاہور، ۱۹۶۱م؛ خلیل، علی ابراهیم، حرف ابراهیم، به کوشش عابد رضا پیدار، پتہ، ۱۹۷۸م؛ راهی، اختر، ترجمه‌های متون فارسی به زبانهای پاکستانی، اسلام آباد، ۱۹۶۵م؛ ۱۹۸۶م؛ رحمان علی، محمد عبدالشکور، تذکرہ علمای هند، لکھنؤ، ۱۹۱۴م؛ شوق، قدرت اللہ، تذکرہ طبقات الشعرا، به کوشش شار احمد فاروقی، لاہور، ۱۹۶۸م؛ شیختم، محمد مصطفی خان، تذکرہ گلشن بی خار، لاہور، ۱۹۷۳م؛ عبدالحی، کل رعن، لاہور، ۱۹۶۲م؛ هو، نزفہ الخواطر، حیدرآباد دکن، ۱۹۳۸م؛ ۱۹۷۸م؛ عظیم آبادی، حیثیقلی، نثر عشق، به کوشش اصغر جاندا، دوشنبه، ۱۹۸۳م؛ غلام سرور لاہوری، خزینة الاصناف، کانپور، ۱۸۹۴م؛ گوپاموی، محمد قدرت اللہ، نتایج الافتخار، به کوشش ارشید بشناخی خاش، بیشی، ۱۲۳۶ش؛ مشار، خانیابا، فهرست کتابهای جایی فارسی، تهران، ۱۳۵۲-۱۳۵۳ش؛ مصنفوی همانی، غلام، تذکرہ هندی، لکھنؤ، ۱۹۸۵م؛ هو، عقد نریا، به کوشش مولوی عبدالحق و دیگران، دهلی، ۱۹۲۳م؛ منزوی، خطی مشترک؛ هو، فهرست نسخهای خطی کتابخانه گنجینه‌بخش، اسلام آباد، ۱۹۷۸م؛ هو، فهرستواره کتابهای فارسی، تهران، ۱۲۸۲ش؛ نیز:

Arberry, A. J., Catalogue of the Library of the India Office, London, 1995; 1937; Hadi, N., Dictionary of Indo-Persian Literature, London, 1995; Marshall, D.N., Mughals in India, London/New York, 1985; Rizvi, A. A., A History of Sufism in India, New Delhi, 1983; Storey, C. A., Persian Literature, London, 1972.

غلامعلی آریا

جاندار، بنی، نک: اسفندیار اغلی.

جانکی، از طوایف لر شیعی مذهب پراکنده در منطقه‌ای به همین نام در استان خوزستان. منطقه جانکی در دامنه غربی ارتفاعات منگشت میان قلمرو ایلات بهمنی، بختیاری و طایفه مکوند قرار گرفته است. این منطقه در گذشته از توابع مالییر (مال امیر/ایزج/ایذه) بود. جانکی از سمت جنوب به خاک ایل بهمنی، از غرب به رامهرمز، از شمال به خاک بختیاری و از شمال غربی به محل سکونت طایفه گندزلوی شوستر محدود می‌شود (اعتمادالسلطنه، ۲۰۴۹/۴؛ سردار اسعد، ۶۶؛ جعفری، ۳۲۶).

واژه جانکی به صورت جوانکی نیز در متون چغاییای تاریخی آمده است. حمدالله مستوفی که در سده ۸ق/۱۴م فهرستی از اقوام و طوایف لر را در کتابش داده، نام این طایفه را به صورت جوانکی آورده است (ص ۵۴۱؛ نیز نک: اسکندریک، ۲۷۲/۱؛ بدیلی، ۴۷). لرهای کهگیلویه و بویراحمد، بختیاری و مردم جانکی، لفظ جانکی را به صورت جونکی به کار می‌برند (قائم مقامی، شم ۵، ص ۹). برخی نیز بی‌آنکه توپیخی درباره معنای جانکی بیاورند، این لفظ را مخفف یا محرف جوانکی دانسته‌اند (امام شوستری، ۱۷۵؛ قائم مقامی، همانجا، نیز

مورود حمله عده‌ای ناشناس قرار گرفت و با تیر تپانچه‌ای از پای در آمد. وی چند روز بعد در گذشت و در جهان آباد دهلی به خاک سپرده شد (گوپاموی، ۶۷۷؛ غلام سرور، ۶۸۶/۱؛ ۶۸۷-۶۸۶/۱؛ رحمان علی، ۲۲۷؛ عبدالحی، همان، ۵۶/۶). از آنجا که وی ظاهرآ اندکی پیش از درگذشت خود با انتقاد از مراسم عزاداری شیعیان در ماه محرم، خشم آنان را برانگیخته بود، پاره‌ای از منابع قتل او را به شیعیان نسبت داده‌اند (بھگوان داس، ۱۸۸/۱؛ رحمان علی، همانجا؛ مصحفی، همان، ۵۵-۵۶؛ رضوی، ۱۱۲/۲۴۷).

آثار: مظہر در آغاز، شعر ریخته (اردو) — که آمیزه‌ای از کلام فارسی و هندی است — می‌سرود، اما اندکی بعد آن را رها کرد و به فارسی شعر گفت (خلیل، ۱۲۴؛ حاکم، همانجا؛ شیفته، ۵۰۲؛ مصحفی، تذکرہ ... ۲۱۱). به جز اشعاری که در تذکره‌ها به زبان اردو از وی نقل شده (شیفته، همانجا؛ جیل جالبی، ۳۶۷/۲؛ احمد جان، ۸۹؛ شوق، ۶۴-۶۶)، بیشتر آثار وی به فارسی است که عبارت‌اند از:

۱. دیوان، شامل غزلیات به ترتیب الفبایی، رباعیات، مخمس، قطعه، مسدس و مشتوی که خود وی در ۱۱۷۰-۱۱۷۱ق/۱۷۵۷-۱۷۵۸م آنها را جمع آوری کرده است. آن گونه که خود اشاره می‌کند، چون در جوانی به دنبال نگاهداری اشعار خود نبوده، بیشتر آنها به باد رفته، چنان‌که پس از جستجوی بسیار، از میان نزدیک به ۲۰ هزار بیت، تنها حدود هزار بیت به دست آمده است (اردو، ۲۷۳/۳۱؛ عبدالحی، همان، ۵۵/۶؛ منزوی، خطی، ۱۱۴۳/۸). دیوان مظہر چندین بار به چاپ رسیده است (مشار، ۲۳۷۳/۲؛ آری، ۱۱۸-۱۱۷/۶(۶)).

۲. مکتبات، مجموعه نامه‌های مظہر است که وی به دوستان و مریدان خود نوشته، و به آنها اندرزها و پندهای عرفانی و اخلاقی داده است. این مکتبات را عبدالرزاق قریشی گردآوری کرد که در ۱۳۸۶ق در بیشی به چاپ رسید (منزوی، فهرستواره ... ۸/۱۵۰-۱۵۱؛ راهی، ۱۲۱).

۳. خریطة جواهر، گلچینی است که مظہر از سروده‌های دیگر شاعران به ترتیب الفبایی نام سرایندگان گردآورده، و در حرف «م» چند غزل خود را نیز ذکر کرده است. این کتاب در ۱۲۷۱ق در کانپور، و در ۱۹۲۲م در لاہور، و هر دو بار به پیوست دیوان مظہر به چاپ رسیده است (عبدالحی، همانجا؛ منزوی، خطی، ۱۱۴۵/۸؛ هادی، ۳۴۸؛ مارشال، ۲۲۹).

۴. کلمات طیبات پیران، شامل ۸۸ مکتب که آن را ابوالخیر محمد بن احمد مرادآبادی نقشبندی در ۱۳۰۹ق در دهلی منتشر کرده است (مشار، ۴۱۰/۳-۴).

۵. رساله عرفانی (منزوی، همان، ۱۴۹۶/۳).

۶. مشتوی مظہر، که گویا منسوب به وی است (مارشال، همانجا).

بختیاری نیز توانست مناطق بیلاقی جانکی را تصرف کند و جانکی سرديسری را تحت انقیاد خود درآورد. کیان ارثیهای در دوره قاجار قسمتی از جانکی گرمسیری را هم تصرف کردند و بدین ترتیب برخی از گروههای جانکی گرمسیری نیز چزو ابواب جمعی چهارلنگها در آمدند (قائم مقامی، شم، ۳، ص ۴۴-۴۲؛ گارثویت، همانجا؛ راولینسن، ۱۰۵).

در دوره قاجار منطقه جانکی ضمیمه قلمرو ایلخانی بختیاری شد و در سالهای اخیر به طور رسمی از مناطق خوزستان به حساب می‌آید؛ از این‌رو، در منابع گوناگون جانکی سرديسری و گرمسیری گاه شاخهای از هفت لنگهای بختیاری و گاه از شاخهای چهارلنگ بختیاری بهشمار آمده است (برای اطلاع از جای گرفتن جانکیها در شمار شاخه‌های هفت لنگ و چهارلنگ بختیاری در نمودارهای تقسیم‌بندی ایل بختیاری، نک: گارثویت، به ایران بازگشتند (شم، ۵، ص ۸). در این زمینه نظرهای دیگری نیز وجود دارد که اعتبار علمی ندارند. مثلاً لیرد در «سفرنامه» اش جانکیها را طایفه‌ای ترک شناخته است (نک: فیلد، ۳۶۴؛ سردار اسعد، ۵۵۹؛ نیز نک: امان، ۸۳؛ دیگار، ۳۰۵).

در سالهای اخیر طایفة جانکی کوچ را رها کرده، و به تدریج یک جانشین شده است. گروههایی از جانکیها تا ۱۳۶۶ میان دهستانهای شهرستان لردگان استان چهارمحال و بختیاری بیلاق و قشلاق می‌کردند. در آمار سرستماری/جتماعی - اقتصادی عشاير کوچنده (۱۳۶۶ش)، جانکیها در شمار طایفه ایل بختیاری آورده شده است (شم، ۱۴-۱۳)، اما در آمار عشاير کوچنده ۱۳۷۷ش، نامی از این طایفه نیست.

تقسیم‌بندی طایفگی: طایفة جانکی به ۸ شاخه اصلی تقسیم می‌شود؛ پدرانی، تلاوری، داودی، کیزپی، گرمسیری (گرسیری)، گرگیری (گل‌گیری)، آل خورشیدی و پهوند. هر کدام از این تیره‌ها نیز به واحدهای کوچک‌تری تقسیم می‌شوند (صفی‌نژاد، ۲۹۵-۲۹۷؛ قائم مقامی، شم، ۳، ص ۴۵، شم، ۵، ص ۱۲). طایفی که از ایلات و عشاير دیگر به تدریج به منطقه جانکی کوچیده‌اند، امروزه همه جانکی به شمار می‌آیند: ابوالعباسی (بلواسی)، جلالی، زنگنه، کرد، کرد زنگنه، شیرعلی و منینی (همو، شم، ۹، ص ۲۶-۳۷؛ ص ۱۰، ۲۲-۲۴). در متون و منابع گوناگون درباره چگونگی ساختار اجتماعی و نظام رهبری جانکیها پیش از پیوستن به ایل بختیاری اطلاع مشخصی وجود ندارد، اما چون پیشتر با سرپرستی رؤسای هفت لنگها و چهارلنگها اداره می‌شدند، از سلسله مراتب قدرت و نظام رهبری ایل بختیاری تبعیت می‌کردند.

معیشت: جانکیها به سبب حاصلخیزی و پرآبی منطقه جانکی از اقتصاد پرور نقی برخوردارند و از دیرباز کشت نوعی برنج مرغوب به نام چمپا در منطقه جانکی معمول بوده است (نک: اعتمادالسلطنه، ۱۴۷؛ ۲۰۵۱-۲۰۵۰/۴؛ نجم‌الدوله، ۱۴۷). کشت توتون،

شم، ۳، ص ۴۰). خاستگاه: حمدالله مستوفی خاستگاه جانکیها را مانند بسیاری دیگر از ایلات و طایفه‌لر، منطقه جبل السماق شام دانسته است که به سبب آرامش و امنیتی که در زمان حکمرانی اتابک نصرالدین هزار اسپ (اسف) (حکم ۶۴۰-۶۴۶ق/۱۲۰۴-۱۲۲۹م)، از امای فضلویه، بر این سرزمینهای لرنشین حاکم بود، به این منطقه کوچیدند (ص ۵۴۱-۵۴۰؛ نیز نک: بدليسی، همانجا). برخی پژوهشگران از اشاره حمدالله به مهاجرت لرها از شام به ایران نتیجه دیگری گرفته‌اند. مثلاً قائم مقامی اصل طایفة جانکی را از کرد هایی دانسته است که در آغاز از کردستان به شام کوچیده بودند و در سده‌های ۶ و ۷ق/۱۲ و ۱۳ و دویاره از آنجا به ایران بازگشتند (شم، ۵، ص ۸). در این زمینه نظرهای دیگری نیز وجود دارد که اعتبار علمی ندارند. مثلاً لیرد در «سفرنامه» اش جانکیها را طایفه‌ای ترک شناخته است (نک: فیلد، 47، 67).

کوچ و اسکان: در گذشته جانکیها مستقل‌ا در گروههای بزرگ عشايری در مسافت‌های طولانی میان منطقه جانکی و سرزمینهای ایلات و عشاير همسایه آن کوچ می‌کردند. پيش‌تر منطقه جانکی به دو قسم شمالی (سرگچ) و جنوبی (زیرگچ) تقسیم شده بود. سرگچ شامل ارتفاعات کوهستان منگشت منطقه بیلاقی، و زیرگچ، دامنه‌های این ارتفاعات، قشلاق عشاير جانکی بود (قائم مقامی، شم، ۳، ص ۴۱-۴۰؛ شم، ۱۰، ص ۸). جانکیها در کوچ بیلاقی خود تا حدود خان میرزا و فلارد در خاک هفت لنگ بختیاری پيش می‌رفتند (صفی‌نژاد، ۲۸۵؛ قائم مقامی، شم، ۵، ص ۱۰). پس از يکي دو سده طایفة شیرعلی (شیرالي/شیرعالی)، از ایلات کهگيلويه، مناطق گرمسیر جانکی را به تصرف خود درآورده‌اند (همو، شم، ۳، ص ۴۲) و در سده ۱۶ق/۱۰م طایفة مکوند مسني نیز قسمت غربی خاک جانکی را به عنوان منطقه گرمسیری خود تصرف کرد (همانجا). درنتیجه سرزمین جانکیها به توافق سرگچ آن محدود شد. گروههایی از جانکیها که در منطقه زیرگچ میان طایف اشغالگر مانده بودند، به «جانکی گرمسیری»، و آنهايی که در منطقه سرگچ به سر می‌بردند، به «جانکی سرديسری» معروف شدند (همو، شم، ۵، ص ۱۱؛ گارثویت، ۱۲۲).

ایلات مُنینی کهگيلويه، زنگنه، کرد و کرد زنگنه نیز به تدریج از اوخر سده ۱۰ تا ۱۲ق/۱۶-۱۸م از بهبهان به سمت منطقه جانکی کوچانده شدند. از این‌رو جانکیها با ایلات و طایفه‌ی که به سرزمینشان آمده بودند، درآمیختند و هر گروهی از آنها به يکي از ایلات و طایف بزرگ‌تر و قدرتمندتر پيوستند. در زمان نادرشاه افشار (سال ۱۱۶۰-۱۱۴۸ق/۱۷۳۶-۱۷۴۷م) طایفة کیارسی/کورسی (کیارسی/کورسی) چهارلنگ

بیان افسانه‌های درباره جانوران و توصیف جانوران افسانه‌ای و شرح فواید جانوران آمیخته بوده است.

پیشینه جانورشناسی: شواهد اندکی درباره میزان آگاهی مردمان باستان از جانوران موجود است. برای نمونه در سنگنگارهای آشوری، تصویر شیری نقش شده که بر اثر اصابت تیر به ستون فقراتش فلنج شده است (نک: رنان، ۷۰)، این تصویر را می‌توان نشانه اطلاع آشوریان از محل قرار گرفتن نخاع در حیوانی مانند شیر و عملکرد آن تلقی کرد. همچنین بنا بر برخی شواهد در گذشته، استفاده از پرندگانی چون باز و شاهین برای شکار امری معمول بوده است و از این‌رو، می‌توان گفت که مردمان باستان، به احتمال زیاد، از شیوه نگهداری این جانوران و صفات آنها اطلاع داشته‌اند (نک: هد، بازداری).

از ایران باستان اثرباری مدون درباره جانوران در دست نیست و بیشتر دانسته‌های ما از دانش ایرانیان درباره جانوران، مباحثی کلی است که در متون مقدس و اساطیری ایشان آمده است. مثلاً ایرانیان گاو را — که مادة خلقت و مادة نطفه آن را با انسان یکسان می‌دانستند (بندهش، فصل ۲، بندهای ۲۱-۲۲) — مقدس می‌شمردند. همچنین بر آن بودند که خلقت برخی از جانوران تمیه‌دی اهورایی برای از میان برداشتن موجودات اهریمنی است، برای مثال عقیده داشتند که باز سفید برای تابودی مار پردار خلق شده است (نک: همان، فصل ۹، بند ۱۴۶). در اساطیر ایرانی و حماسه ملی ایران هم به مطالی درباره جانوران برمی‌خوریم که بیشتر درباره استفاده انسان از آنهاست. برای نمونه در شاهنامه از تهمورث به عنوان نخستین انسانی که حیوانات را به خدمت گرفت، یاد شده است (فردوسی، ۳۵۱-۳۶۱؛ نیز نک: هد، بازداری).

ظاهرآ نخستین بار فیلسوفان پیش از سقراط به بررسی علمی جانوران پرداختند. گفته‌اند که آن‌کس‌اگر از مجموعه آثار جانورشناسی ارسطو شامل ۲۱ مقاله می‌شود که در ۳ کتاب، طبایع الحیوان^۱ (در ۱۰ مقاله)، اجزاء الحیوان^۲ (در ۴ مقاله)، فی کون الحیوان^۳ (در ۵ مقاله) و دو رساله کوچک «درباره راه رفتن جانوران»^۴ و «درباره حرکت جانوران»^۵ هر کدام در یک مقاله، مرتب شده‌اند. با توجه به اعتقاد ارسطو به ترکیب اجسام — اعم از نامی و غیرنامی — از ماده و صورت، برخی از محققان مفهوم گسترده‌تری از آثار جانورشناسی او دارند و رساله‌های او درباره نفس را

گندم و جو، نیز باقداری، دامداری و صنایع دستی از دیگر مشاغل مهم جانکیها به شمار می‌رود (همو، ۱۴۷-۱۵۰؛ بابن، ۸۹؛ فرهنگ ... ۱۴۳/۸۰).

جمعیت: قائم مقامی در ۱۳۲۵ ش شمار جمعیت تیره‌های اصلی طایفه جانکی را ۱۹۰ خانوار بیان کرده است (شم، ۳، ص ۴۵). منابع دیگر جمعیت جانکیها را، اغلب به همراه شمار خانوارهای طوایف تابع ذکر کرده‌اند. مثلاً اعتقاد‌السلطنه که در ۱۴۷۶ق/۱۸۵۹م به منطقه جانکی سفر کرده بود، جمعیت جانکیها را هزار خانوار تخمین زده است (۲۰۵۱/۴) (برای شمار جمعیت خانوارهای جانکی در منابع دیگر، نک: صفحه نزد، ۲۸۹ به؛ امام شوشتی، ۱۷۸). به گزارش سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشاير کوچنده، شمار کوچنده‌گان جانکی در ۱۳۶۶ ش، ۵۵۵ خاتوار برآورد شده است (همانجا).

ماخذ: استکرییکی منشی، عالم آرای عباس، به کوش ایرج اشار، تهران، ۱۳۵۱؛ اعتقاد‌السلطنه، محمدحسن، مرآۃ‌البلدان، به کوش عبد‌الحسین نوابی و هاشم محدث، تهران، ۱۳۶۸ ش؛ امام شوشتی، محمدعلی، تاریخ جنگ‌آیی خوزستان، تهران، ۱۳۳۱ ش؛ امان، دیر، بختیاریها، عشاير کوچنده‌گان ایرانی در پریه تاریخ، ترجمه محسن محنتیان، مشهد، ۱۲۶۷ ش؛ بابن، س. و فردیک هوسه، سخننامه جنوب ایران، ترجمه محمدحسن اعتقاد‌السلطنه، به کوش هاشم محدث، تهران، ۱۳۶۳ ش؛ بدیلی، شرف‌خان، شرف‌نامه، به کوش محمد عباسی، تهران، ۱۳۶۳ ش؛ چغفری، عباس، دائزه‌ال المعارف جنگ‌آیی ایران، تهران، ۱۳۶۹ ش؛ حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، به کوش عبد‌الحسین نوابی، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ دیگار، زان پسر و اصغر کریمی، «مال: کوچک‌ترین واحد تولید، برهون؛ کوچک‌ترین واحد مصرف در ایل بختیاری»، نامه نور، تهران، ۱۳۵۹ ش، شه ۱۰-۱۱؛ راولپنی، هنری، سخننامه، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران، ۱۳۵۶ ش؛ سردار اسد، علیقلی و عبدالحسین سپهر، تاریخ بختیاری، به کوش جمشید گایان، تهران، ۱۳۷۶ ش؛ سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشاير کوچنده (۱۳۶۶ ش)، نتایج تفصیلی، ایل بختیاری، مرکز آمار ایران، تهران، ۱۳۶۷ ش؛ صفحه نزد، جواد، لری‌ای ایران، تهران، ۱۳۸۱ ش؛ فرنگ جنگ‌آیی آبادیهای کشتر، سازمان جنگ‌آیی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۷۰ ش؛ قائم مقامی، جهانگیر، «عشایر خوزستان: قبایل جانکی»، یادگار، تهران، ۱۳۲۵ ش، شه ۳، ۹، ۵، ۳، ۱۰؛ گارتوبیت، ج. ر.، تاریخ سیاسی - اجتماعی بختیاری، ترجمه مهراب امیری، تهران، ۱۳۷۳ ش؛ نجم‌الدوله، عبدالغفار، سخننامه خوزستان، به کوش محمد دیرسیاقی، تهران، ۱۳۴۱ ش؛ بین، Field, H., *Contributions to the Anthropology of Iran*, Chicago, 1939.

مصطفی ابراهیمی

جانیوزشناسی: یا علم الحیوان، دانش مطالعه ساختمان بدن جانوران، بررسی صفات و شناسایی بیماریهای آنها و یافتن راههای درمان آن بیماریها. امروزه این مطالعات در شاخه‌های مختلف علمی چون زیست‌شناسی، علوم دامی و دامپژوهشی انجام می‌گیرد، حال آنکه در گذشته این مجموعه در یک حوزه بررسی می‌شده است. همچنین در گذشته این گونه بررسیها با

3. *De Generatione animalium.* 4. *De Incessu animalium.*

1. *Historia animalium.*
5. *De Motu animalium.*

2. *De Partibus animalium.*